

اصلاح وزارت جنگ

میدان و لام نذکر بیست که در هر چشیده این بیست سال امیر و ازارت  
ت دیگان او را ساق و بر سر اصول قدری و من در آورده ادراز  
فست همه بودجه کنون بصرف ازش می دسته و سایر هم

که می شویند آنها بخت و لذت نسبتی کرده اند تا خواسته سر بر منی  
بلطفه و دارای شووند و نزد آن اسلامیان سایه نشان خواهد را  
نمایند و بتوانند ملک میدانیم چند نکه مهم را باشند  
آنکه مکن است خودگزاری ملک میدانیم چند نکه مهم را باشند  
آنکه مکن است خودگزاری ملک میدانیم چند نکه مهم را باشند  
آنکه مکن است خودگزاری ملک میدانیم چند نکه مهم را باشند

اینها میان والی ارش و دلیل موسوید است آنرا بخوبی معرفت نماید و  
آن را می بینید و خواست آن با از لشکر خانه اشچی چشم کوچک و  
پارک - دههای مندم - سلطان پیش از ازدراز - آنها  
آنها ارش - حضرم و نوهن آنیز است. از زور گوکل و بوکلی  
کی کی مو و زنمه آن چه شی پیش بخول برخی از هر چهارم در  
خطه - دهد شده است هر گز کجا بوده است - ارشکش و ارشکش و  
پیوهنه - پیوهنه - پیوهنه - پیوهنه - پیوهنه - پیوهنه - پیوهنه  
دو دن این افسران درستکار و بیرون و این آن افسران بسیار و  
بکارهای  
سلطان غیر مسئول اچاچه داده شده که بر امور و امور از این  
دو دن باری چارخش برداشت شده است هر علاوه عاقون اسلیمی این کشور

که این سفران در ترویج آن مکون شد و برای همه این امثال بروز  
طلایان انسانی از پیغمبر مدد ناگوئی چن که هی مادرت  
برای حفظ مقام خود رویش فریاد را از داده اند به بایه نسلیم  
آن شهود و خرم ملکات باعث مذکور شد که بزرگ برمه.

ساده از این تحدید مسئولیت و اختیار مسئله و بروز هنر فراز  
اسفلات که موده سلسله از این اکه از مخصوص بوده دیگر کاربر معمولی  
پیشترفت خاصه موسمی اینچه شده بود از آن پس بروز نامه مغلای  
قد و در برابر رواج این مسئول شناخت و این الاختصار مورد  
خواست فراز واد.

اداره کارگری ارشل که اینکه بخوبی از سند از لشک را نشکل  
ن میزا شد و بعد بطر مسند و وزارت جنگ فرار گردید و همان  
سند از لشک مانند که کشورها مصروف آمور خطا و هنر باشد  
، همانطور که گفته میکن است این چنانچه از این مصروف از لشک  
ست و در پونداسته در این مورد کارگران کارگران توانند بطریت  
و برق این مصروف پیشنهادی اند که به است مردمه توجه  
و به باشند این اصلاحات مختص معاشری سند - پیش و مانع و  
او بجهة اوضاع و زارت منک موثر است

لیک لو ... دلو ... سه لو ...  
در ملاقات خود سه  
پریوں کفر شروع گردید  
دلاخانی کے دربارہ و میراں برائی  
شیش چارہ ہر نوں سے  
دل طلاقی تداروں از ملے  
دو زندان نصر اصلاح  
دعا نشانہ و اکھر ملے لازم  
اوغڑنے کے اس اور  
پیروں کی نیتے اور نصیر  
طلاقی ندویہ اسی نوادہ  
کے از اسراف زندان و از  
شر آن اکھر نہ کیسته فرب  
را آنکھ کیسته کیش کیان  
ایک اس این اطمین پیغمبر حاشیت و  
بواسیه مدان چراغ شویروز ظلماں  
بود - دنی ضمیم داشت کہ بائیه های  
آمن و فتوی سکنی سے منته  
کفت آن مطروب و دردان این اعطی  
وا رفیعہ میں مجدد و مخصوص داشت  
این لعنت سلوں بود  
اطمین و دیکری ارجمند اطمین سلوں  
بود (ویا مهور مه مه) کہ بور  
بواسیه معاشر پیغمبر نبیت و شی  
پشت داشتن چراغ دوشن است و درد  
ہام آن آسرا بتائب سلوں دو لو  
کیسته اس



نظری بصحنهای مختلف جهان

کچ کر میلن که سالما مر که عالم و جو زیر ترا های دوست بود  
ویس از آن شاهد بروگتی بپرسید و یادی طلاقان متنشکنید گشت  
جه دوزل این اتفاق را با خاطر رعایت نموداران را به آزاد کرده  
و مشنی ترین حکومتند های عالم نمودارانکی بر افزایش این داشت  
گرفت میل این گفتند سر بر زبان داشتند بارویں مباری های داشتند  
غیر باقیست را میدیند و اید و از بوتد که برو دی در مقابل  
آن ایلی فرن بسته در شهر تاریخی سکو و دزد و سه لیک اکون در  
مان شهر بروگتی این های دند داشتند هام تشکل شد  
آئی کر میل با تعظیت حش گرفت و کاخ بوسیده  
این ایلی اموری آعلم را برد و در آن تکوری چشم  
جسوند و قلوب کاهی آرا دیخواهان ج چنان نورایم  
لایلین گرفت

آن سالان مر بوطا پایه جهه دود  
ما در اروپا موره بررسی فراز داده  
که روکوت و چان کل کی شکن نهاد  
جزیین اخین منحصر شده‌اند گل  
میرود که آنهاه شفته گلکت با تعداد  
شوروی سطحی بسیار از مرطبه طغوطه  
اوپات و پوشان می‌باشد و نقل حل شده  
پاشه و پس از آن سلول شکن اروپا  
توسط تبریز هزار اینچه کلاک و لکلک  
موره نظر بود که شقیق بیشتر چیز  
نهعل سلامت دار می‌گردید که  
آن تمام او را ایال بود بیرون  
دوهه و در آن آذان شایان تالاوار یا پایی  
جهه دو هر دار و ایشکل کرد  
عاد اعلام اسلامکو در دیگی از اراد  
خصوص آمریکا که از مومنانه بخوبی

اسکندری و کالت میکند

دفتر کالک ایرج اسکندری برای پذیرایی مراسمین هد روزه سوای رایم  
مطلع از ساعت ۶ تا ۷ حد از طور مفتوح است. آدرس: خانلر قوه اسلام

زنگنه ایندیا

مغوفی که نکنک شده است همچنان  
و اخراج است او و رضایی اطعیه می  
داشته ملت ایران را سفره کرده  
راسته اسلامیان در آن اندیشی تواسی  
است این و متواند بود را همی کند  
تا تماشوار و همه سنت و حبایش  
مهنه که در مسکله اجتناب همچو عکس  
ملت بر خلیه او چنان دلال افاضه و  
منی و مردادردست برای ود آپا  
توواسه از ای شکایه .

آیا مختار منکر است که داریم  
پاییز مهی بر این کشور اینجا کرد  
است . اگر هم او منکر است مانع  
شکایه باشد از این اوضاع است  
نه اجاز مطعن باشد که از چنین  
ملت زها خواهد شد و نام این پادشاه  
در ای ای ای او و رضایی اطعیه نیزه اند  
آپا را که مردم یعنی خود دینها  
برده بیشتر سایه .

دو اطلاع دیگر روز یو اسطه داشتن  
جه جه عوکس و اسطه ادانش هرج و شن  
دو پلکان یاد ماندند .

شم مجدد و میر مختار و غیره باش  
که در اینجا روز خوار  
شکایه آن ایامیه سیده اده آهم  
سنه آمامه و از زاده سویخ درز  
تحموم و ملایق اصوصی و ملایقش  
و ساق کرمه کرد منع بود .

ش های جمه میر ازمان با  
پسر ازمان ایل ازایان (زدن مخصوصی  
پسر ازمان ایل ازایان) میشد و پس از  
آن کوئی و خارج کردن در سفر  
ور خود را کم میکرد . سانده  
ست که در مسلون تلویت برای امری  
رقی مخصوصی را مانگانکه داشتند  
۰۰۰

دک الین مختار وجود اینت  
هر چهاری مفترضه از زمان منکر  
شکایه . برای او احتمالاتم هر الم

انجمن مسکو

تصمیم گرفته است که سنگینی بارشوری را با کاهد و پس از آن جبهه دوم در اروپا نشکلی شود

# مختصر تفصیلات راجع به نبرد سالومون بیماران از روایات هیتلر

ش نه اوت و زیستها و نوکشکی  
دشن در سده نهاده بر کشتهای سر بر  
بر ما و جوی شماخ آنها را آمدند.  
روزها را و نوکشکی از مانندی روی های  
درگاه را گرفتند و نوکشکی دشنهای  
پیش از آنکه بتوانند کشتهای سر بر  
بر ماکه مشغول بیانه گردند چو خود  
دست رسی پاید بخت شنیز صور  
گردید. نهادنی که در می این سک  
شباهی بر دشن و اورد آدم سیستان طور  
سریع میعن کرد خد این موقع را با  
شماری هم که بر جوهرهای ما اوار  
آند همچو کوئی تو پیش داده نشد  
زیرا همکن است دشن از اینکه  
اطلاع استفاده شاید.  
لندن — شیر کار اوی  
اطلاع میهمد چنانکه رسای اعلام د  
است اینکه های اوش امریک  
امروز بد از طبقه بر سوابی فران  
منصری آلان حله روند.  
در عرض این هیلت شکاری های  
کشک شایان کردند در روزهای هفتم

تأثیر انجمن مکو در دنیا

پر خوب و سفر تکریب  
چنان که بیر مربرس کارو زله و نشید  
فراس مکح و وزیر انتصاف نایاب  
نروز که بین منظور سکون آمد  
و دیر در شاگردان هر که داشت  
تشاهد و خوشی و جال توچان مذاکرات  
آن وود سکنه مصلح شاهزاده ای از  
دوستی ظاهیر و سیاست نازی تند  
و پیاست گروهیت که در سرت شکل  
گردید سکران مخواه و سیاست  
نمودن که بر چین مذاکرات سکو  
و داد اشتراحت و این راه مخواه  
دوباره دوست این بید است و زوال  
اوشناد بیوی پسری هر داد که بجهل  
مشهد مفاتیح سکون یوسفه هرایا  
تیغ و بویشی این خواه با تختی کمال  
مفتر کرد

هنگام جشن در کاخ کرملین استالین خندان بود  
لخصیت‌های پر رسمی که در این انعصار شرکت کرده اند

مکتو - سرگزاری اکلیس  
بین گزارش مقدمه هنگام کشیده  
رچل و هریس و سار شاید کان  
نهضن در مرود کله مکو آمد  
کشیده از ساربان گرد از هرم با  
مالونه اینورارت امور خوش  
که در مذاکرات مکو شرک کرد  
نهضن مردم دارد که نهاده  
شلی کم از آن اطلاع دارند  
برای تحسین هنر هنگام شکلشون  
هالی شنک در لندن که سروار  
شایده کو روکوت در آن ساخته  
پرداخته رده مدهی و روکوت کلی  
یا طنز و توانی نظر بینه اون تهدید  
سازش و توافق نظر بینه اون تهدید  
دارد در سال ۱۹۳۶ وی از مادرور  
خود در چن بازگشت و قاع امریک  
خود را همراه کرد و نهاده  
که برای هنرمندان گردید و  
شوراهای او انس در موضع حر  
شرک هست ولی در نهاده اون  
نهادت خود را بر سرو صدای  
دوت بروک مدن از هنگام امدا

از مدرس تابنی چه خبر است؟

مدرس - چند کسی کاری  
کس اخلاق مسالمه دو شکوه دارد  
گران مصروف مرا بروه لک  
از خود و خوب منش احمد صنیع  
روزی و منتهی اسلک احمد صنیع  
لذتی بود ظاهر آبروزل و  
اینسته هم طبیع هوسی  
لشکر کنی منش احمد صنیع  
اسفه کرده کوشش کشورهای من  
موده بعد فرار عاده اند

دریج دن جنک بشدت گرانیده  
و در سار قاتا قفسی رخ نداده است

دایا هنات کامل حظ پیک  
وزیری امیر بیروی دشنه  
سکی دید و اگر کرد  
عده بیروی خوش بیش  
چنگ کیل داره بیک از  
دو بیش ما در بشت میکند  
حده داده است. نانکاران  
و بازه همون و همه کار  
همه متنق پالان را نابو  
ویک اپارٹمنت را ویران شود  
از یکمین تن هنری و اگاه  
مسکو — هرگز همیشه  
گزاری افسوس همان گفت  
تصویر آن سر گزاری  
میمدد بنا بر اشاره اخیر هنر  
چنگ سکون و سمه است  
در همه کی رویدادهای زاده  
حده بیرون مدهدی برداشت  
چوچمه را که بیرون  
رویدادهای سوی همیشی است  
که در چهل میلی متر از سطح  
شماری بود راهی پاره شده

بهر کاری شور وی  
دانوه اعلامه بود  
خلو مبارزه شد همدم  
در سلطان لکشکارا  
بلکو و مرسی اول  
بودار (با دشن) کشک  
جه بیرونی خود را  
در شمال خاوری لکشکارا  
ای شهیده فاعل کرد  
کلی اوضاع کاشت  
ما بود همه بر و نز  
دیکی از اوضاع دنی  
بر ای از اوضاع دنی  
دشمن همه بر و نز  
نامیها و اداره اورده  
س و نابو کرد و  
و یخراست بر آلسی  
دشمن کار را آشنا  
(کراسار) بیرون  
مهم آشناهای داشت  
در یکی از اوضاع  
ظرفها همه ناگفته

و در این مورد نیز هر چند ممکن است  
با خودی که در آن سایر امور را  
پس از این مورد میگذرانند،  
آنکه این مورد را میگذرانند.  
و در این مورد نیز هر چند ممکن است  
با خودی که در آن سایر امور را  
پس از این مورد میگذرانند،  
آنکه این مورد را میگذرانند.

در نهاد آن مدت از  
اصلاح بناهای از نیمات  
کشش معمد و صیانت  
گردانی سکونت و خواهد بر  
پذیره همچنان و لذتگیر  
و ذکر و این اعیان سپاهی  
و وده آن فرمای موضع رواجید  
آن بوکلور در فرجین جنت  
از آن در فرجین است ایده موعل  
لدن در دنیا داده پیش و در  
ملکات مردوخ طوطی امدادی  
النکس و شورودی کمالاً درود  
صهی کردند  
رسانه این در ملاقات س



